

علامه مصباح یزدی می‌فرماید:

در عصر ما کمتر استادی را می‌توان شناسایی کرد که هم در حوزه تعلیم و هم در میدان تربیت مانند مرحوم علامه طباطبایی توفیق یافته باشد و تلاش در تبیین راه و روش و آموزه‌های آن بزرگوار، تلاشی مبارک و درخور تقدیر است (رهنمایی، ۱۳۹۰، ص ۱۵).

در هر مکتبی، منظومه ارزش‌ها به مثابه متغیری وابسته به منظومه باورهای مورد قبول آن مکتب است. از سویی، ارزش‌ها در هر فرهنگ و جامعه‌ای، همواره با گرایش‌ها و سوگیری‌های خاص ارزش‌باوران ارزش‌مدار همراه بوده‌اند. این گرایش‌ها در شرایطی آن‌چنان توانمند و باکفایت خودنمایی کرده‌اند که پیروان خود را تا حد اعلائی جان‌فشانی و از خودگذشتگی در راه صیانت از ارزش‌ها و یا اعتلای آنها به میدان مبارزه کشانده‌اند. چنین گرایشی از نگاه روان‌شناسی ارزش‌ها، معیار پایداری افراد و گروه‌ها و جوامع انسانی بر اصول ارزشی مورد پذیرش و باورش‌شان به شمار می‌رود. با توجه به چنین حساسیت‌هایی است که مطالعه و بررسی رویکردها در تعلیم و تربیت ارزش‌ها اهمیت ویژه می‌یابد.

درباره اصطلاح «تعلیم و تربیت ارزش‌ها» بهتر است نخست به تبیین و تشریح مطالبی بپردازیم که در تعریف و بیان عوامل، ویژگی‌ها و یا آثار ارزش‌ها از زبان قرآن و روایات بازتاب یافته است. اندکی تأمل کافی است تا درک بهتری از تعلیم و تربیت ارزش‌ها پیدا کنیم و دریابیم که تعلیم و تربیت ارزش‌ها چگونه از گرایش‌هایی چون تربیت اخلاقی و تربیت دینی متمایز می‌شوند؟ این تمایز از دو جنبه تشخیص‌پذیر است: اولاً تعلیم و تربیت ارزش‌ها بیشتر و به طور مستقیم بر انعکاس و تبیین و پرورش و گسترش ارزش‌ها تأکید می‌ورزد، در صورتی که گرایش‌هایی چون تربیت اخلاقی و دینی و نظایر آن بیشتر ناظر به آموزش و تربیت متعلمان و متریبان‌اند؛ ثانیاً دایره تعلیم و تربیت ارزش‌ها به مراتب گسترده‌تر از دایره دیگر گرایش‌ها در حوزه تعلیم و تربیت است؛ یعنی مبانی و اصول مرتبط و ناظر به همه گرایش‌های تربیتی در این دایره می‌گنجد (رهنمایی، ۱۳۹۱، ص ۴-۶).

هنگامی که سخن از رویکرد به میان می‌آید، باید توجه کرد که رویکرد تنها مشتمل بر گرایش و روشمندی نیست، بلکه با مبانی و اصول نیز دارای مرز مشترک است. با اشاره به رویکرد، مقوله‌های مختلفی چون راه، ابزار و وسایل، امکانات و هدفمندی تداعی می‌شوند. این مقوله‌ها هر یک به نوعی رویکرد را پدید می‌آورند.

برای درک بهتر مفهوم رویکرد، در نظر بگیرید هنگامی را که با تعیین مقصدی خاص و با تدارک ابزار و وسایل مناسب و مورد نیاز، حرکت را از مسیری مشخص آغاز می‌کنید تا به تدریج و بر اساس

رویکردهای قرآن در تعلیم و تربیت ارزش‌ها از منظر تفسیر المیزان

rahnama@qabas.net

سیداحمد رهنمایی / دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

دریافت: ۱۳۹۳/۲/۱۹ - پذیرش: ۱۳۹۳/۷/۲۸

چکیده

در نوشتار پیش‌رو، با مروری بر رویکرد قرآن در تعلیم و تربیت ارزش‌ها، برداشت تفسیر المیزان را بررسی می‌کنیم. در قلمرو تعلیم و تربیت ارزش‌ها، خود ارزش‌ها هستند که متعلق بی‌واسطه تعلیم و تربیت واقع می‌شوند. کم نیستند مواردی که قرآن و روایات به‌طور مستقیم ارزش‌ها را محور گفت‌وگو قرار داده و درباره خود ارزش‌ها داوری کرده‌اند. «حق و باطل»، «لباس التقوی»، «صلوات»، «جهاد»، «ایمان»، «شکر»، «کلمه طیبه»، «کلمه خبیثه»، «مکارم الاخلاق»، «عدل» و «محاسن کلامنا» نمونه‌هایی از این سنخ ارزش‌گذاری‌ها در گفتمان قرآن و روایات به شمار می‌روند. بر اساس این گرایش، در این پژوهش و با روش توصیفی-تحلیلی-استنادی، به بررسی رویکردهایی می‌پردازیم که قرآن، از منظر علامه طباطبایی، در راستای ارزش‌ها در پیش گرفته است.

کلیدواژه‌ها: رویکرد، هستی‌شناسی ارزش‌ها، ارزش‌گذاری ارزش‌ها، تعلیم و تربیت ارزش‌ها.

برنامه‌ریزی نسبتاً دقیق به مقصد مورد نظر برسید. کل این فرایند را از نقطه آغاز تا مسیر و محور پیوستار و نهایتاً نقطه پایان رویکرد می‌نامیم. به بیانی دیگر، برای هر مقصدی مسیر یا مسیرهایی در نظر گرفته می‌شود. پیمودن این مسیرها موجب هر چه نزدیک‌تر شدن تدریجی به مقصد است. انتخاب مسیر و چگونگی سیر در مسیر تا رسیدن به مقصد را رویکرد می‌نامیم. ترجمه انگلیسی این واژه به‌روشنی گواه این برداشت ویژه است. *to approach* و *approaching* در استفاده فعلی خود با *approach* در استفاده اسمی هم‌ریشه و هم‌معنا هستند. برخی از تعاریف و تعبیری که در فرهنگ انگلیسی واژگان *وبستر* برای تبیین واژه *approach* در نظر گرفته شده‌اند بدین قرارند:

۱. در برداشت فعلی: الف. نزدیک و نزدیک‌تر آمدن: ماشین‌ها همچنان‌که به تقاطع نزدیک و نزدیک‌تر می‌شدند؛ از سرعت خود می‌کاستند؛ ب. شروع به کار کردن روی چیزی؛ ج. در اطراف چیزی تحقیق کردن: پژوهشگران مسئله را مورد بررسی قرار دادند؛ د. پیشرفت حاصل کردن: کاوشگران در مسیر تحقیق خود پیشرفت‌هایی را به دست آوردند؛ هـ. چیزی را نزدیک چیزی دیگر قرار دادن.

۲. در برداشت اسمی: الف. در مجاورت و نزدیکی چیزی؛ ب. وسیله و امکان دسترس به چیزی؛ ج. گام‌هایی در راستای ایفای نقش و انجام وظیفه؛ د. خط جریمه در زمین بازی.

در این پژوهش مفهوم اصطلاحی رویکرد از مفاهیم لغوی در دو حالت فعلی و اسمی اقتباس شده است. بنابراین رویکرد در اینجا به اموری چون پیش‌فرض‌ها، فرضیه‌ها، طرح و برنامه‌ها، اهداف، چشم‌اندازها و روش‌ها تعلق دارد که مجموع آنها در کنار هم و با روندی هماهنگ پژوهشگر را به نتیجه و مقصود پژوهش نزدیک و نزدیک‌تر می‌سازند. رویکردهای پژوهش در یک و یا چند زمینه گوناگون فراوان‌اند که در ادامه به عنوان نمونه به برخی از مهم‌ترین آنها در قلمرو انسان‌شناسی اشاره می‌کنیم.

فیلسوف با رویکرد فلسفی، مفسر قرآن با رویکرد تفسیری، روان‌شناس با رویکرد روان‌شناختی، پزشک با رویکرد پزشکی، جامعه‌شناس با رویکرد جامعه‌شناختی، زیست‌شناس با رویکرد زیست‌شناختی، کارشناس تعلیم و تربیت با رویکرد تربیتی، و فقیه با رویکرد فقهی هرکدام از دریچه نگاه علمی خویش به معرفی سیمای انسان و بیان ویژگی‌های وجودی او می‌پردازد و هویت و جایگاه او را در نظام آفرینش تجزیه و تحلیل می‌کند. رویکردهای متفاوت ممکن است دیدگاه‌های متفاوتی را پدید آورند و گوناگونی دیدگاه‌ها چه‌بسا به ارائه تفسیرهای مختلف از یک

موضوع مشترک، با توجه به جنبه‌ها و زوایای متفاوت منتهی گردد. در موارد نادری هم ممکن است رویکرد جامع و فراگیر به صورت تلفیقی از رویکردهای گوناگون به کار آید که این دیگر سرآمد همه رویکردهاست. در اینجا گذری کوتاه بر رویکردهای جاری در تعلیم و تربیت ارزش‌ها در غرب خالی از فایده نخواهد بود.

در فلسفه تعلیم و تربیت غرب دست‌کم به هفت رویکرد در زمینه تعلیم و تربیت ارزش‌ها می‌توان اشاره کرد: ۱. رویکرد منش‌پروری، ۲. رویکرد تبیینی، ۳. رویکرد روایتگری، ۴. رویکرد اخلاقی کلب‌رگ، ۵. رویکرد لیبرال-دموکراتیک، ۶. رویکرد پست‌مدرن، ۷. رویکرد جامع. هرکدام از این رویکردها در صدد است جهت ایجاد، انتشار و توسعه ارزش‌ها بر اساس دیدگاهی که در پیش گرفته طراحی و برنامه‌ریزی کند. تشریح و تبیین این رویکردهای هفت‌گانه با دامنه گسترده‌ای که در بسیاری از ساحت‌های زندگی انسانی دارند در این مجال نمی‌گنجد. با این وصف لازم است تا حدی منظور از رویکردهای جاری گرایش تعلیم و تربیت ارزش‌ها در فرهنگ غرب روشن شود تا آسان‌تر بتوانیم به تبیین رویکردها از دیدگاه علامه طباطبایی بپردازیم.

از میان رویکردهای یاد شده، رویکرد منش‌پروری و تا حدی رویکردهای تبیینی و روایتگری و نیز رویکرد اخلاقی کلب‌رگ بیش از بقیه قابل انطباق با رویکردهای مورد نظر علامه طباطبایی هستند. این سه رویکرد در تعلیم و تربیت ارزش‌ها هم با نگرش‌های دینی سازگاری دارند و هم با گرایش‌های سکولار. دیگر رویکردها همه در قالب رویکردهای صرفاً سکولار می‌گنجد و هیچ‌سختی با تعلیم و تربیت ارزش‌ها از نگاه اسلامی ندارند.

به کمک رویکرد منش‌پروری، مربی می‌کوشد با تأکید بر ارزش‌های خاص اخلاقی، حقوقی، سیاسی و یا هر قلمرو دیگر، زمینه را برای بازشناسی و بازپروری آن ارزش‌ها فراهم آورد، به این امید که آن ارزش‌ها جزو خلق‌وخو و منش و سبک رفتار و زندگی فراگیران شوند (ر.ک: رهنمایی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۷-۱۸۸). در نتیجه بهره‌برداری از رویکرد تبیینی، شفاف‌سازی و روشن‌گری به حدی است که فرصت مناسبی به فراگیر دست می‌دهد تا پیرو آن ارزش‌ها را به آسانی از ضدارزش‌ها بازشناسی کند، به جانب آنها روی آورد و به آنها ارج نهد. مروری بر مسلک‌های اخلاقی مورد نظر علامه در تفسیر *المیزان* نشان می‌دهد که چرا و چگونه قرآن در بیان آرای تربیتی خود درباره ارزش‌ها به یک رویکرد بسنده نکرده است. پیش از بیان رویکردهای چندگانه از نگاه *المیزان*، بهتر است مجالی هر چند اندک به هستی‌شناسی ارزش‌ها اختصاص یابد تا مبنا و مأخذ تعلیم و تربیت ارزش‌ها روشن‌تر شود.

۱. هستی‌شناسی ارزش‌ها

رابطه مفاهیم ارزشی با جهان‌بینی و هست‌ها و نیست‌ها، از جمله مباحث مهم و بنیادین قلمرو ارزش‌ها و ارزش‌گذاری‌ها به شمار می‌آید. از نگاه علامه طباطبایی، در ارزشیابی و ارزش‌گذاری رفتار و امور انسانی می‌توان از جنبه‌های گوناگون رابطه ارزش‌ها را با هست‌ها و واقعیت‌ها کشف و تبیین کرد. در این زمینه باید به عناصر و ارکان ارزش‌ها توجه ویژه مبذول شود تا جنبه‌های مزبور، مفهوم یابند. ارزش‌ها در ارتباط با مبانی جهان‌شناختی هویت می‌یابند و از سنخیت آنها رنگ‌ورو می‌پذیرند. جهان‌بینی حقیقی به ارزش‌های برگرفته از خود حقیقت می‌بخشد؛ در صورتی‌که جهان‌بینی خیالی و وهمی ارزش‌های منتسب به خود را پنداری و وهمی می‌بیند. همچنین از جهان‌بینی الهی، ارزش‌های الهی، از جهان‌بینی ماتریالیستی، ارزش‌های مادی، از جهان‌بینی مذهبی، ارزش‌های مذهبی و از جهان‌بینی فلسفی، ارزش‌های فلسفی تراوش می‌کند. به تعبیر بهتر، از کوزه برون همان تراود که در اوست. از این جنبه، نه تنها هست ارزش‌ها، بل چگونگی هست ارزش‌ها نیز به مبانی هستی‌شناختی و جهان‌شناختی آنها بستگی تام دارد.

بررسی مبانی ارزش‌شناختی تعلیم و تربیت ایجاب می‌کند نسبت به پشتوانه‌های نظری مفاهیمی چون: «مطلوبیت و مبعوضیت»، «باید و نباید»، «تکلیف و مسئولیت» و نظایر آن در تعلیم و تربیت حساس باشیم. از این‌رو در بیان مبانی نباید تنها به دانش هستی‌ها بسنده کرد، بلکه دانش باید‌ها را نیز باید از نظر گذراند تا حلقه مبانی تکمیل گردد و چیستی و چگونگی ارزش‌ها تفسیر شود. بدیهی است هر اندیشه و هر عملی در حوزه تعلیم و تربیت نخست باید رابطه میان حلقه هست‌ها را با حلقه باید‌ها کشف کند و سپس برای تعلیم و تربیت نظر و دستورالعمل ارائه دهد؛ در غیر این صورت، گرفتار التقاط خواهد شد؛ التقاطی که به طور قطع به بی‌اعتباری اندیشه خواهد انجامید. در نظریه تربیتی علامه این رابطه به‌درستی کشف و حل شده است؛ به گونه‌ای که کمترین ابهامی در این خصوص باقی نمانده است.

پرسش بنیادین این است که باید‌ها و نبایدها و مطلوبیت و نامطلوبیت از کجا و چگونه نشئت می‌گیرند؟ آنچه مسلم است اینکه بر هر عملی نتیجه‌ای مترتب است؛ به این بیان که میان یک عمل اختیاری و نتیجه نهایی مترتب بر آن رابطه ضروری برقرار است. این رابطه ضروری از ناحیه عمل اختیاری، ضرورت بالغیر و به تعبیری ضرورت بالقیاس الی الغیر نامیده می‌شود و دلالت بر آن دارد که ارزش عمل اختیاری ارزشی غیری و مستند به ارزش نتیجه نهایی است که بر آن عمل مترتب است. در

این صورت، ارزش نتیجه، دیگر غیری نیست، بلکه به خود آن نتیجه باز می‌گردد و ذاتی و خودبه‌خودی است. در غیر این صورت، معنا ندارد که انسان در طلب نتیجه و در اندیشه دستیابی به امری مطلوب، به انجام کاری اقدام کند. به عبارتی، ارزش به هر دو قسم مثبت و منفی خود، صفتی است که هم عمل را توصیف می‌کند و هم نتیجه آن عمل را. بنابراین ارزش هم صفت عمل اختیاری انسان است و هم صفت نتیجه عمل اختیاری انسان. از این‌رو عمل و نتیجه مورد نظر آن، هر دو دارای ارزش‌اند، با این تفاوت که «ارزش نتیجه به معنای مطلوبیت ذاتی، و ارزش فعل به معنای مطلوبیت بالغیر است» (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۴۹).^۱

ارزش‌گذاری به وصفی که گذشت، محدود به حوزه رفتار و نتیجه وضعی و طبیعی رفتار است. در این صورت، منشأ ارزش‌گذاری را ناچار باید در تفسیر رابطه میان رفتار و نتیجه رفتار جست‌وجو کرد. علاوه بر این، نقش دیگر عوامل اصلی و جانبی را در ارزش‌گذاری نباید از یاد برد. به عبارتی، باید توجه داشت که شخص به‌منزله عامل و پدیدآورنده رفتار، و همچنین دین، فرهنگ، آیین، رسم، آداب و سنن به‌منزله پشتوانه‌ها و یا منابع ارزش‌ها و ارزش‌گذاری‌ها تفسیری از هستی‌شناسی ارزش‌ها را ارائه می‌دهند. همه این امور از جمله هست‌هایی به شمار می‌روند که هر یک به گونه‌ای در روند ارزش‌گذاری اثربخش است. از همه مهم‌تر و مؤثرتر، نقش انسان ارزش‌باور ارزش‌گذار است. «اساساً مفهوم ارزش با عوامل و عناصری چون انگیزه، علاقه، خواست و مصلحت انسان سروکار دارد. همان‌گونه که انسان به دلیل منافع و مصالحی که در مادیات می‌بیند، به سوی امور مادی بالفطره کشش پیدا می‌کند، نسبت به معنویات نیز، به همان دلیل، بالفطره کشش دارد» (رهنمایی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۲).

با وجود این، انسان به دلیل نداشتن آگاهی کافی نسبت به مصالح و مفاسد خویش، نمی‌تواند و نباید بدون تعهد به ارزش‌های ناب معنوی و بدون واسطه عواملی چون فطرت، عقل سلیم و وحی و نبوت، در مقام ارزش‌گذاری به‌طور مستقل اقدام کند. برخی از پرورش‌یافتگان مکتب علامه طباطبایی نیز با الهام از استاد خود این مسئله حیاتی را باز و مبرهن ساخته‌اند که برای نمونه به ارائه دو برداشت *استاد مطهری* و *استاد مصباح یزدی* بسنده می‌کنیم: از دیدگاه *استاد مطهری*، تعهد انسان نسبت به ارزش‌های معنوی معیار و میزان کمال او را تعریف و تعیین می‌کند. براین‌اساس:

هرچه تعهد او به ارزش‌های معنوی نیرومندتر باشد، انسانیت او کامل‌تر خواهد بود. این به این معنا نیست که انسان‌ها خود می‌توانند ارزش‌های اصیل معنوی را بیافرینند. نهایت کاری که برای انسان میسر است این است که نسبت به ارزش‌هایی که خاستگاه دینی و فطری دارد، ارج گذارد و به قراردادهای و اعتبارهایی که خداوند تعیین فرموده است گردن نهد (همان).^۲

در نظر استاد مصباح یزدی نیز گرایش‌های فطری انسان نظیر کمال‌جویی، حقیقت‌جویی، فضیلت‌طلبی، میل به پرستش، و احساس تعلق به موجودی برتر همه از جمله اموری‌اند که در تعیین، تعریف و تشخیص ارزش‌ها نقش هدایت‌کننده و پشتیبانی دارند. با وجود چنین گرایش‌های فطری‌ای، چندان نیازی به کاربرد برهان و ادله عقلی و نقلی در تعیین و تبیین ارزش‌ها نیست. براین‌اساس گرایش‌های فطری تا آنجا در تعیین ارزش‌ها، جهت بخشیدن به آنها و تعیین سمت‌وسوی کمالات انسانی نقش برجسته و ممتازی را ایفا می‌کنند که امیال فطری را «به مثابه عقربه قطب‌نما» دانسته‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۹).

قرآن با ظرافت و نکته‌سنجی تمام، ضمن تبیین بنیاد هستی‌شناختی ارزش‌ها، حقیقت ارزش و ارزش‌گذاری را، با توجه به مراتب سه‌گانه ایمان و رفتار و اخلاق، این‌چنین ترسیم فرموده است:

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفَى الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ ۚ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الصَّابِرِينَ ۚ فِي الْآبَاسِ ۚ وَالضَّرَّاءِ ۚ وَحِينَ الْآبَاسِ ۚ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (بقره: ۱۷۷)؛ نیکی به این نیست که توجهتان را به شرق و غرب منعطف دارید. نیکی (و نیکومثلی) اما وصف کسی است که به خداوند و روز رستاخیز و فرشتگان و کتاب و پیامبران ایمان آورده است (مرتبه ایمان) و از روی عشق و علاقه مالش را بین خویشاوندان و یتیمان و نیازمندان و درراه‌ماندگان و فقیران و بردگان توزیع می‌کند. (وی کسی است که) نماز را به پا می‌دارد و زکات مالش را می‌پردازد. نیک‌سیرتان از جمله کسانی هستند که وقتی پیمانی ببندند، به عهد و میثاقشان وفا می‌کنند و در سختی‌ها و تنگناها استوار و ثابت‌قدم‌اند (مرتبه عمل). اینان در واقع در زمره راستگویان و پرهیزگاران‌اند (مرتبه اخلاق).

قرآن در مقام تبیین ارزش‌ها، به بیان مفاهیم بسنده نمی‌کند و توجه همه را به بیان ویژگی‌های ارزش‌باوران و ارزش‌مداران جلب می‌کند تا علاوه بر بیان چیستی و چگونگی و چرایی ارزش‌ها، اهمیت التزام به ارزش‌ها را نیز گوشزد کند. از این‌رو قرآن تنها بیان مفاهیم را کافی نمی‌داند. این دأب قرآن است که هرگاه می‌خواهد از ارزش‌ها و ضدارزش‌ها سخن به میان آورد، به شرح احوال حاملان آنها نیز می‌پردازد تا مطلب به صورت روشن و مدلل ارائه شود (طباطبایی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۴۲۷-۴۲۸).

از این فراتر، ارزش‌ها از جنبه‌های دیگر هستی‌شناسانه نیز در ارتباط با آثار اجتماعی و فردی‌ای که از آنها سر می‌زند و یا نتایج و لوازم اصلی و جانبی که بر آنها مترتب می‌گردد، و نیز

با توجه به اسباب و عوامل درونی و بیرونی که به بروز و ظهور آنها می‌انجامد، قابل طرح و بررسی‌اند. البته در اینجا مجال تفصیل این امور نیست.

۲. رویکردهای رایج در تعلیم و تربیت ارزش‌ها

علامه با تبیین و تجزیه و تحلیل دو رویکرد رایج تربیتی - اخلاقی، موضع قرآن را در ابداع و ارائه رویکرد سومی روشن می‌سازد که اختصاصی قرآن است و پیش از قرآن جایی به آن پرداخته نشده است. ایشان در صدد بیان کند که کدام‌یک از رویکردهای سه‌گانه مزبور بهتر می‌توانند در پدیداری و کارآمدی و تثبیت فضایل و از بین بردن رذایل نقش تربیتی خود را نشان دهند؟ رویکردهای چهارگانه تربیتی- اخلاقی که علامه به تبیین و تفسیر و مقایسه آنها پرداخته است، بدین شرح‌اند:

۲-۱. رویکرد ارزشی دنیاگرا

رویکرد اول که به نوعی رایج‌ترین رویکردها به شمار می‌آید نظرها را در آراستگی و پیراستگی روان متوجه اهداف و انگیزه‌های مصلحت‌آمیز و منفعت‌خیز دنیوی می‌کند، و بر دیدگاه‌ها و اندیشه‌های پسندیده نزد عرف و جامعه، و رعایت مصالح دنیوی تأکید می‌ورزد. از چنین رویکردی می‌توان به منزله رویکرد ارزشی دنیاگرایانه، مبتنی بر تأمین مصالح اجتماعی و دنیوی یاد کرد. قرآن این رویکرد را که بنایش بر پسند و ناپسند عرف است، در تربیت انسان کافی نمی‌شمارد.

رویکرد نخست که رویکردی دنیامحور است بر پسند و ناپسند عمومی و اقبال و طرد اجتماعی استوار است. پایبندی به ارزش‌ها و دوری‌گزینی از ضدارزش‌ها بر این‌اساس به لحاظ جایگاه و شأنی است که افراد در انظار عمومی برای خویش قایل هستند. از نگاه علامه طباطبایی، اقتضای رویکرد نخست این است که انسان در راستای تأمین مصالح این‌جهانی خویش به اصول اخلاق فاضله بیندیشد و به مفاد آنها پایبند باشد. این اصول بنا بر تعریف علامه، حد اعتدال اخلاق و ارزش‌های اخلاقی و مرز میان افراط و تفریط است.

در بیان علامه، حکمت، شجاعت، عفت و عدالت چهار اصل فضایل و ارزش‌های اعتدالی هستند که وی از آنها به‌منزله ریشه اخلاق پسندیده و فاضله یاد می‌کند و برای هرکدام زیرمجموعه‌ای از ارزش‌های اصیل را تعریف می‌کند. حکمت به‌منزله حد اعتدال نیروی فکر و اندیشه، و مرز میان جریزه و کودنی؛ شجاعت به مثابه حد اعتدال نیروی غضبیه، و مرز میان تهور و جبن؛ عفت به‌منزله حد اعتدال نیروی شهوانی و مرز میان شهوت‌پرستی و خمودی؛ و مهم‌تر از

همه، عدالت ناظر به هر سه فضیلت، مرز میان ستمگری و ستم‌پذیری تلقی می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۱، ص ۳۷۱-۳۷۳). ثمراتی که بر التزام و تعهد به اصول ارزشی یادشده مترتب‌اند همه ناظر به جایگاه این جهانی انسان‌اند. برای مثال، ثمره عفت و قناعت در رویارویی‌های اجتماعی موجب بزرگواری و سربلندی و عظمت شأن انسان در نظر دیگران خواهد بود؛ و یا به‌عکس، نتیجه پلستی و زیاده‌طلبی و حرص و طمع، اسباب بی‌اعتباری و بخل و تنگ‌دستی و ذلت انسان را فراهم خواهد ساخت (همان، ص ۳۵۴-۳۵۵).

در مجموع، رویکرد دنیایی و یا این‌جهانی بیشتر برای کسانی است که دوست دارند در دنیا از اعتبار و منزلت اجتماعی برخوردار باشند. گرچه این امر مطلوبی به نظر می‌رسد، قرآن گوشزد می‌فرماید که انسان نباید به این سطح از ارزشمندی و ارزش‌گذاری بسنده کند.

۲-۲. رویکرد ارزشی آخرت‌گرا

رویکرد آخرت‌گرا به بیان آثار اخروی و مصالح آن‌جهانی فضیلت‌ها و ملکات اخلاقی معطوف می‌گردد. چنین رویکردی بر کسب فضیلت‌ها و پرهیز از ردیلت‌ها به مثابه عملی مؤثر برای رسیدن به فرجامی خوش و آخرتی سودمند و سعادت‌مند تأکید می‌ورزد. آیات فراوانی از قرآن بر استفاده و به‌کارگیری این رویکرد اشاره دارند. آیات مزبور بر دو دسته‌اند: دسته‌ای از آیات که نیکان و صالحان را به بهشت و نعمت‌های فراوان آن بشارت می‌دهند و دسته دیگری که فاسدان و فاجران را شایسته عذاب جهنم می‌دانند. از جمله آیات دسته اول:

وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٍ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (توبه: ۷۲)؛ إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبِعْمِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (توبه: ۱۱۱)؛ وَأَدْخِلِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا يَأْذَنُ بِهِمُ رَبُّهُمْ تَحِيَّهِمْ فِيهَا سَلَامٌ (ابراهيم: ۲۳).

همان‌گونه که از این آیات و نظایر آنها به دست می‌آید، سنت قرآن در رویکرد نخست بر بشارت به بهشت و برخوردار شدن بهشتیان از انواع گوناگون نعمت‌های بهشتی تأکید دارد. مسلماً چنین وعده‌ها و بشارت‌هایی برای همه کسانی که جزو شایستگان‌اند و کارهای شایسته انجام می‌دهند، بسیار امیدوارکننده و اثربخش است.

دسته دوم آیاتی را دربر می‌گیرد که بر انذار و هشدار نسبت به روز قیامت و عواقب وخیمی که در انتظار ناهلان و ستمگران خواهند بود مبتنی‌اند. از جمله آیات دسته دوم:

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّخْتَلِفٍ (زخرف: ۷۴)؛ وَلَئِذٍ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَسَاءَ الْمَصِيرُ (ملک: ۶)؛ إِنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ (بروج: ۱۰).

بدیهی است این هشدارها و بیم و انذارها می‌توانند در روند سامان‌دهی اخلاق و تربیت انسان بسیار مؤثر باشند. این رویکرد به هر دو دسته بالا که مستلزم فرجام‌شناسی و آخرت‌اندیشی است، در نگاه علامه به‌منزله مسلک اهل آخرت معرفی شده است.

همانند آنچه در ارتباط با رویکرد اول بیان شد، علامه طباطبایی اقتضای رویکرد دوم را نیز روی‌آوری به اصول فضایل و ارزش‌های اعتدالی و پرهیز از ردایلی و ضد ارزش‌ها می‌داند؛ با این تفاوت که کسب این فضایل و پرهیز از آن ردایلی در رویکرد نخست، تنها به منظور تأمین مصالح دنیوی و اعتبار و منزلت اجتماعی است، در حالی که مقصد و مقصود مرتبی از چنین اکتساب و اجتنابی در رویکرد دوم، نیل به کمال و سعادت حقیقی در دنیا و آخرت است (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۱، ص ۳۷۳).

۲-۳. رویکرد ارزشی خدامحور

رویکرد سوم ارزشی-اخلاقی بنا بر تفسیر المیزان به گونه‌ای است که کمک می‌کند انسان با شناخت درست و حقیقی فضایل و ردایلی اساساً به جانب فضایل تمایل یابد و از نزدیک شدن به ردایلی پرهیزد. این رویکرد که بیشتر بر پیشگیری تأکید می‌ورزد تا درمان، و به تعبیر علامه بیشتر در مقام رفع ردایلی است و نه دفع آنها، نظر به مراتب عشق و محبتی دوخته است که انسان را به جانب کسب فضایل اخلاقی جهت‌دهی کند، تا با اکتساب فضایل و تشخیص ردایلی راه را به طور کلی بر ردایلی ببندد. این رویکرد بر اساس حکمت محبت، بر حب عبودی و عشق و علاقه انسان به پروردگار و هزینه شدن برای خداوند مبتنی است. این امر موجب می‌شود که متقابلاً رحمت خاص خداوند بر سراسر وجود محب خدا گسترانده شود و انسان ارزش‌باور ارزش‌مدار محبوب خدا گردد و در ردیف ربانیون جای گیرد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۳۵۸).

مشخصاً انسان برای انجام هر کاری انگیزه خاصی در سر می‌پروراند. گاه انگیزه نهایی برای کاری که از انسان سر می‌زند عزت و جایگاهی است که انسان طالب آن است و نسبت به آن طمع می‌ورزد؛ همچنان‌که گاه کار خود را به انگیزه‌رهایی از قدرتی انجام می‌دهد که از آن در هراس است. گاه نیز انگیزه‌های دیگری در بین است؛ اما چنانچه انسان کار خود را برای جلب رضایت خداوندی انجام دهد که همه عزت‌ها از اوست (یونس: ۶۵) و همه قدرتها نزد اوست (بقره: ۱۶۵)، دیگر نه طمع‌ی به

داشته‌های دیگران خواهد داشت و نه هراسی از قدرت دیگران به دل راه خواهد داد. دست‌کم این دو نکته را که انسان بداند و به مفاد آن پایبند بماند، وجودش از هر زشتی و پلشتی پیراسته خواهد شد و روانش به ارزش‌های متعالی و عزت و تقوای الهی و ربانی آراسته خواهد گشت (همان، ص ۳۵۹).

همت و تلاش مرتبی در رویکرد سوم تنها مصروف این نیست که به فضایل انسانی مزین شود، بلکه در همه احوال و تمامی امور، خشنودی خدا را می‌طلبد. در این صورت، انسان هر اندازه که ایمان و معرفتش فزونی و استحکام یابد، روح و روانش مجذوب تفکر در ساحت قدسی پروردگارش خواهد شد و اسمای حسناى الهی و صفات زیبای خداوندی را در نظر خواهد گرفت و همچنان حالت جذبۀ الهی در درون او اشتداد خواهد یافت، تا آنجا که گویا خداوند را می‌بیند و آداب بندگی او را به نحو شایسته به جای می‌آورد. اخلاق خداگرایانه و خدامحور، و اخلاق مبتنی بر عشق و محبت الهی از جمله تعابیری‌اند که رویکرد سوم را تفسیر و تبیین می‌کنند (همان، ص ۳۵۸-۳۶۳ و ۳۷۴-۳۷۵).

۲-۴. رویکرد عرف‌محور

علامه در پایان به رویکرد چهارمی اشاره می‌کند که پیرو آن اخلاق و صفات اخلاقی، همه خواه در ناحیه اصولشان و خواه در قلمرو فروعشان، تابع نظر و پسند و ناپسند عرف و جامعه هستند. از این‌رو هر جامعه‌ای به تشخیص خود عمل می‌کند؛ بدون اینکه در مقام ارزشیابی و ارزش‌گذاری خواسته باشد به اصل مطلق و استواری پایبند بماند. این نظریه که به گونه‌ای بر ایند نظریه تحول و تکامل طبیعی و مادی به شمار می‌رود، دلالت بر نسبت اصول و فروع ارزش‌ها از جمله ارزش‌های اخلاقی دارد و بنابراین از نگاه علامه نظریه پذیرفتنی‌ای نیست (همان، ص ۳۷۵-۳۷۹).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تعلیم و تربیت ارزش‌ها از جمله رسالت‌های مهمی است که هر مکتب فکری و اعتقادی می‌کوشد گفته یا ناگفته، نوشته یا نانوشته، خواسته یا ناخواسته، دانسته یا نادانسته، آگاهانه یا ناآگاهانه نسبت به انجام آن اهتمام ورزد. اصولاً قوام و پایداری مکاتب به استحکام باورها و ارزش‌هایی وابسته است که مکاتب به منظور حفظ و صیانت آنها پایه‌گذاری شده‌اند. در این میان، بسته به مبانی، اصول، اهداف، روشمندی‌ها و رویکردها، مکاتب تربیتی-ارزشی از یکدیگر بازشناسی و متمایز می‌شوند.

در پژوهش پیش‌رو، تنها به معیار تمایزبخش رویکردها در تعلیم و تربیت ارزش‌ها، آن هم از زاویه نگاه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، بسنده کردیم و از بیان دیگر معیارها و مقیاس‌های

متمایزکننده چشم‌پوشی کردیم. بحث از رویکردها بسیار مهم و حیاتی و کلیدی است؛ نه‌تنها از این جنبه که به‌خودی‌خود و به‌گونه‌ای هرچند گذرا و اجمالی و احياناً به صورت ضمنی مشتمل بر بیان مبانی و اصول و روشمندی‌هاست، بلکه از این زاویه نیز که مستقیم‌تر و سریع‌تر هویت یک مکتب تربیتی را آشکار می‌سازد.

امروزه در سطح جهانی با دو رویکرد کلی و عمومی در زمینه تبیین و ترویج ارزش‌ها روبه‌رویم: رویکرد اول به اشخاص و جوامع ارزش‌مدار ارزش‌باور نظر دارد و آنان را موضوع تعلیم و تربیت قرار می‌دهد. این در حالی است که رویکرد دوم، فارغ از اشخاص و جوامع، به خود ارزش‌ها می‌اندیشد و بر معیارمندی‌سازی خود ارزش‌ها تأکید می‌ورزد. در نگاه اول، فعالیت‌های تربیتی ناظر به اشخاص و جوامع ملتزم و پایبند به ارزش‌ها هستند، در صورتی که در نگاه دوم این فعالیت‌ها ناظر به حیثیت و منزلت خود ارزش‌هاست. برای مثال، گاه بحث درباره انسان‌های مؤمن پرهیزکار خوش‌اخلاق است، اما گاه درباره ایمان، پرهیزکاری و حسن خلق است. هر دو رویکرد، چه مرتبی‌محور و چه ارزش‌محور، اهمیت و جایگاه و مزایا و آثار تربیتی خاص خود را دارند. هر کدام از این رویکردهای کلی و عمومی به طور خاص از زیرمجموعه‌هایی برخوردارند که در نوشتار حاضر به بیان زیرمجموعه‌های دسته دوم با نگرش به تفسیر المیزان پرداختیم. در این راستا، تمام تلاشمان مصروف این شد تا نشان دهیم چگونه و با چه رویکردی می‌توان به گونه‌ای شایسته‌تر ارزش‌ها را در نظر و عمل آشکار ساخت و جایگاه و ماهیت آنها را به تصویر کشید و اذهان و افهام شایستگان را به جانب آن فرا خواند.

علامه طباطبایی با اشاره به چهار رویکرد، برترین و شایسته‌ترین رویکرد را رویکرد خدامحوری دانست که بر پایه توجه و محبت به خداوند و انگیزه کسب رضایت الهی استوار است. انتخاب این رویکرد از ابتکارهای قرآن به شمار می‌رود و علاوه بر سرآمدی و امتیازاتی که نسبت به دیگر رویکردها دارد، با رویکرد جاری و فراگیر قرآن یعنی با نظام و اندیشه توحیدمحوری قرآن در همه ساحت‌های شخصی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، حقوقی، اقتصادی و... کاملاً سازگار است. این سازگاری زمینه جذب گرایش‌های فطری به سوی ارزش‌های متعالی و پیشگیری و پرهیز از رذایل و مفساد اخلاقی را بهتر و بیشتر فراهم می‌سازد. بدین ترتیب شایسته است در این زمینه پژوهش‌های بیشتری صورت پذیرد تا از سویی زمینه‌های التزام به ارزش‌های والای الهی، و از سوی دیگر راهکارهای پیشگیری از رذایل و مفساد، بر حسب انگیزه و محبت و جلب رضایت الهی بیشتر و بیشتر فراهم آید.

پی‌نوشت‌ها

۱. برگرفته از بیانات علامه مصباح یزدی. در واقع کسی چون ایشان به‌وضوح به بیان این مطلب مهم پرداخته است، به‌منظور فهم بهتر، به گوشه دیگری از بیانات علامه مصباح یزدی در خصوص ارزش‌های اخلاقی توجه فرماید:
- افعال اخلاقی پیوسته دارای مطلوبیت بالغیر هستند و همه ارج و ارزش آنها به خاطر نتیجه‌ای است که با انجام این افعال، عاید انسان می‌شود و از سنخ ارزش فلاح و فوز، یعنی مطلوبیت ذاتی و خودبه‌خودی نیست. این ارزش صفت فعل اختیاری است و به وسیله «باید» تبیین می‌شود. در صورتی که ارزش نتیجه فعل یعنی فوز و فلاح از سنخ ارزش‌های اختیاری نیست.
- علامه مصباح یزدی چنین تفسیری را در مورد ارزش‌های منفی اخلاقی نیز ارائه کرده است، آنجاکه می‌گوید: «... ارزش منفی اخلاقی نیز اولاً صفت فعل اختیاری انسان است و ثانیاً پرتوی از ارزش منفی و مبغوضیت ذاتی نتیجه نامطلوب آن فعل خواهد بود». در این رابطه باز ارزش منفی عمل اختیاری مبغوضیت بالغیر است، اما ارزش منفی نتیجه نامطلوب مبغوضیت ذاتی است؛ یعنی اینکه نتیجه به خودی خود به آن مبغوضیت متصف می‌گردد. این اتصاف ذاتی و بالغیر بیان رابطه جبری، وضعی و ضروری است که بین عمل اختیاری منفی و نتیجه نامطلوب مترتب بر آن برقرار می‌باشد.
۲. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: مطهری، ۱۳۸۷، ص ۲۳۵-۲۳۳.

منابع

- امام خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۸، *تفسیر سوره حمد*، چ پنجم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ❖
- آمدی، عبدالواحد، بی تا، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم، دار الکتاب.
- حسینی تهرانی، سیدمحمدحسین، ۱۴۲۵ق، *مهر تابان: یادنامه عالم ربانی علامه سیدمحمدحسین طباطبایی تبریزی*، مشهد، نور ملکوت قرآن.
- رهنمایی، سیداحمد، ۱۳۹۱ - الف، «فلسفه ارزش‌ها با نگرش اسلامی»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی مبانی فلسفی علوم انسانی، ج ۳، قسمت دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ❖
- _____ ۱۳۹۱- ب، «سرمقاله»، *معرفت*، ش ۱۷۹.
- _____ ۱۳۹۰، *مکتب تربیتی علامه طباطبایی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ❖
- _____ ۱۳۸۸، *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ❖
- _____ ۱۳۸۳، *درآمدی بر مبانی ارزش‌ها*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ❖
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۳ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- _____ ۱۴۳۰ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعة المدرسين بقم المشرفه.
- _____ ۱۳۶۱، *رسالة الولاية*، در یادنامه مفسر کبیر استاد علامه سیدمحمدحسین طباطبایی، قم، شفق.
- _____ ۱۴۲۲ق، *سنن النبی ﷺ*، مقدمه محمدهادی الفقهی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- _____ ۱۳۶۵، *رسائل التوحیدیه*: ۱. رسالة التوحید ۲. رسالة الأسماء ۳. رسالة الأفعال ۴. رسالة الوسائط ۵. رسالة الانسان قبل الدنيا ۶. رسالة الانسان فی الدنيا ۷. رسالة الانسان بعد الدنيا، قم، بنیاد علمی و فکری استاد علامه سیدمحمدحسین طباطبایی.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۳۶۲، *بحار الأنوار*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۸، *مشکات: اخلاق در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ❖
- _____ ۱۳۸۷، *مشکات: به سوی خودسازی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ❖
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، *مجموعه آثار: تعلیم و تربیت در اسلام*، ج ۲۲، تهران، صدرا.
- _____ ۱۳۸۶، *مجموعه آثار: فطرت*، ج ۳، تهران، صدرا.
- یادنامه مفسر کبیر استاد علامه سیدمحمدحسین طباطبایی، ۱۳۶۱، قم، شفق.